



سیمای مفردت ضائع (ع) در قرآن

تألیف: عین اله ارشادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و امد تهران جلوب

سروشنامه
عنوان و نام پدیدآور: سیمای حضرت صالح (ع) : تألیف: عین اله ارشادی
مشخصات نشر: تهران، نیروز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۱۷۰۰۰-۸-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیا
مادداشت: بالای عنوان: سیمای پیامبران در قرآن کریم
عنوان دیگر: سیمای پیامبران در قرآن
موضوع: صالح، پیغمبر
موضوع: قرآن - قصه ها.
موضوع: پیامبران در قرآن.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ س ۶
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۵۶
شماره ثبت: ۲۵۲۱۰۰

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلف و ناشر می باشد و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

نام کتاب: سیمای حضرت صالح (ع) در قرآن کریم
مؤلف: ارشادی عین اله
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰
تیراژ: ۱۰۰۰
چاپ: اول
ناشر: نیروز
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۱۷۰۰۰-۸-۳
قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

هدف ما	۷
پیش نگاه	۱۰
نگاه اول: حضرت صالح (علیه السلام) از نگاه تاریخ	
۱- اصل و نسب حضرت صالح ^(ع)	۱۵
۲- زمان تولد، وفات و مدت عمر	۱۵
۳- محل و مکان زندگی حضرت صالح ^(ع) و قوم او	۱۶
۴- وجه تسمیه یا علت نامگذاری این قوم، به «ثمود» یا «اصحاب حجر»	۱۶
۵- از مشخصه های قوم ثمود	۱۷
۶- جایگاه حضرت صالح ^(ع) در میان قوم ثمود	۱۸
نگاه دوم: مستندات نبوت و رسالت حضرت صالح ^(ع)	
۱- مأموریت الهی حضرت صالح ^(ع)	۲۳
۲- ناقه، معجزه حضرت صالح ^(ع)	۲۵
۳- شتر خدا	۲۸
۴- هدف از معجزات الهی	۳۰
۵- حق ناقه صالح ^(ع) بر قوم ثمود	۳۱
۶- هدایت قوم ثمود	۳۳

- ۷- گفتند: آیا صالح فرستاده پروردگارش است؟ ۳۴
- ۸- من رسالت پروردگارم را ابلاغ کردم ۳۶
- ۹- من برای شما پیامبری امین هستم ۳۷

نگاه سوم: راه حضرت صالح (علیه السلام)

- ۱- دعوت به توحید و یکتاپرستی ۴۱
- ۲- یقین به قدرت مطلق خدا ۴۲
- ۳- خدا نزدیک و اجابت کننده است ۴۴
- ۴- یاد نعمت های خدا و دوری از فساد ۴۵
- ۵- سازندگی و بازگشت به سوی خدا ۴۶
- ۶- عبرت از پیشینیان ۴۸
- ۷- بنای زندگی بر نیکی است نه بدی! ۴۹
- ۸- اطاعت و پیروی از صالحان ۵۱

نگاه چهارم: مشخصات و ویژگی های قوم ثمود

- ۱- بهره مند از رفاه، آسایش و امنیت ۵۵
- ۲- تکذیب و انکار انبیاء، انذار آنها و عذاب الهی ۵۸
- ۳- جهل و نادانی ۶۲
- ۴- نصیحت ناپذیر ۶۶
- ۵- شتاب احمقانه به سوی نابودی ۶۹
- ۶- بدگمانی نسبت به حق گرایان ۷۱
- ۷- فریب خورده ۷۲
- ۸- قومی فاسد ۷۳
- ۹- مکار و حيله گر ۷۵

- ۱۰- ظالم و ستمگر ۷۷
- ۱۱- کبر و خودپسندی ۷۸
- ۱۲- حسود و عنود ۸۰
- ۱۳- عصیان و سرکشی ۸۱

نگاه پنجم: نحوه و علت نزول عذاب قوم ثمود

- الف) علت و سبب نزول عذاب ۸
- ۱- کفر یا انکار پروردگار ۸۵
- ۲- رویگردانی از آیات الهی ۸۶
- ۳- رد دلایل روشن و معجزات پیامبران و شک و تردید در دعوت آنان ۸۷
- ۴- تکذیب پیامبران و فرستاده‌های الهی ۸۹
- ۵- مقابله با معجزه حضرت صالح^(ع) ۹۱
- ۶- ظلم و ستم ۹۴
- ب) نحوه و چگونگی نزول عذاب الهی بر قوم ثمود ۹۵
- ۱- مسائل قبل از نزول عذاب ۹۵
- ۲- صیحه، وسیله عذاب قوم ثمود ۹۹
- ۳- صاعقه، وسیله عذاب قوم ثمود ۱۰۲
- ۴- رجفه، وسیله عذاب قوم ثمود ۱۰۵
- ۵- محو آثار حیات ۱۰۶
- ۶- هیچ چیز نمی‌توانست آنان را نجات دهد ۱۰۸
- ۷- عجز و درماندگی در برابر عذاب ۱۰۹
- ۸- به مانند گیاهی خشک در آمدند ۱۱۰

نگاه ششم: درس‌ها و عبرت‌ها

۱- پشیمانی که سودی نداشت ۱۱۵

۲- عاقبت توطئه‌گران ۱۱۶

۳- عبرت از قومی که هدایت را برگمراهی ترجیح دادند. ۱۱۸

۴- عبرت از خرابه‌خانه‌های «ثمود» ۱۲۰

آخرین نگاه ۱۲۳

فهرست آیات ۱۲۵

فهرست منابع و مآخذ ۱۲۷

هدف ما

در اینکه انسانها و یا (دست کم) بسیاری از انسانها، قبل از انجام هرکار و یا حتی فکر هرکاری، جویای الگوی مناسب برای خود می‌باشند شکی نیست و بی تردید پس از جستجو و کاوش، الگوی را برمی‌گزینند، که چه بسا در تشخیص خود دچار اشتباه بشوند و چه بسیار دیده می‌شود که با کمال تأسف این الگوگیری در زندگی و سرنوشت آنها تأثیری بد می‌گذارد که جبران‌ناپذیر است.

این مسئله سبب می‌شود که بیاندیشیم که راه چاره کجاست؟ چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد راه نجات از این مهلکه (که انسان گرفتار هر کسی بعنوان «الگو» نشود) در کلام نورانی خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص) بیان شده است که می‌فرماید:

«فاذا التبست علیکم الفتن قطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن»^(۱)
ترجمه: «زمانی که فتنه‌ها مانند پاره‌های شب ظلمانی بشمار و آورد، بر شما باد رجوع به قرآن»

پس باید به قرآن تمسک کنیم و برای نجات خود و جامعه، سراغ کسانی که در قرآن از آنها بعنوان الگو، اسوه، دلیل و راهنما یاد شده، برویم.

باید دست در دست بصیر و بینایی گذارد، کسی که روشن است و روشنایی بخش، کسی که نور است و نوربخش. نه اینکه بقول معروف «کوری عصاکش کور دیگری باشد، ره گم کرده‌ای راهنمای گمشده‌ای گردد». الگوها و اسوه‌های حقیقی و راستین در قرآن معرفی شده‌اند و ما می‌خواهیم اولاً: آنها را بشناسیم و بشناسانیم (از همان زاویه‌ای که قرآن آنها را مطرح نموده) ثانیاً آنها را الگوی خود قرار دهیم و آن گونه عمل کنیم، که آنها می‌کردند.

پس گفتار و نوشتار ما نه به این هدف است که به تمامی مسائل مطرح در زندگی انبیاء پردازد، زیرا بسیاری از آن مسائل نکاتی صرفاً تاریخی و مربوط به شخص آن پیامبر و زمان خاص او بوده که در کتب تاریخی ذکر شده است. اما قرآن کریم به آنها پرداخته است.

بنابراین ما می‌خواهیم مسائلی را مطرح کنیم که اولاً قرآن مطرح نموده، و ثانیاً مربوط به شخصیت آن پیامبر باشد، آن ویژگی‌های که سبب شد انسان خاکی مخاطب خدا قرار گیرد و بی‌واسطه و یا با واسطه با خدا سخن گوید، آن ویژگی‌های که انسان خاکی را مظهر علم خدا، قدرت خدا، حلم خدا و بخشندگی خدا می‌کند و خاص شخص و زمان نیست. برای ما ابراهیمی شدن، موسوی شدن، عیسوی شدن، محمدی شدن مهم است نه اینکه بدانیم تاریخ تولد و رحلت آن پیامبر چه زمانی بوده، چند فرزند داشته و اسم فرزندان و همسرش و.... چه بود اینها اگر چه به لحاظ تاریخی اهمیت ویژه‌ای دارد اما به لحاظ الگوگیری و درس آموزی مورد نظر نیست. اگر دقت کنیم قرآن نیز با همین روی کرد سراغ قصص انبیاء رفته است. چنانچه می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾^(۱)

«همانا در داستانهای ایشان عبرتی است برای خردمندان»

و در خاتمه، با توجه به اینکه می‌خواهیم فقط با استفاده از قرآن کریم، انسانهای نمونه و الگورا بشناسیم، و استفاده از قرآن مراتبی دارد که هر انسانی در مرتبه‌ای می‌تواند از این کتاب هدایتگر استفاده نماید، لذا با اتکاء به مدد الهی و مراجعه به تفاسیر مهم و معتبر برای دستیابی به این منظور تلاش می‌نماییم و نقش اندک خود را تنها، تهیه و تنظیم، دسته‌بندی مطالب و چارچوب‌سازی، تیرگذاری، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب می‌دانم. بنابراین اگر در این نوشتار نقطه قوتی باشد مربوط به نورانیت آیات قرآن کریم و تلاش خستگی‌ناپذیر مفسرین گرانقدر قرآن کریم، و اگر نقطه ضعفی باشد مربوط به خود می‌دانم که نسبت به آن از خدای مهربان و شما خوانندگان گرامی و ره‌پویان طریق هدایت عذر تقصیر می‌طلبم

والسلام علی من اتبع الهدی

تهران - ارشادی

پیش نگاه

در این کتاب ماجرای زندگی پیامبری بزرگ از برگزیدگان الهی را ورق می‌زنیم که نام شریفش نه مرتبه (در نه آیه، چهار سوره) ذکر شده و نام قومش بیست و دو مرتبه (در بیست دو آیه، نوزده سوره) آمده است، و خداوند از او به عنوان برادر قوم یاد نموده، یعنی وی از میان آن قوم زاده شد، و در میان آنها رشد و نمو کرد و در شرایط محیطی و اجتماعی آنها تربیت شده، از آنها بود و با آنها وصلت نمود اما مسیری غیر از راه آنان را برگزید، افتخار و مبالغات وی پیروی از نیاکان به صورت مطلق نبود، افتخار او یکتاپرستی و پرهیز از شرک و بت پرستی بود، او به اعتراف قومش، امید آینده قوم در مشکلات و تنگناها بود، آن قوم یگانه تشخیصشان که کاملاً درست و بی نقص می‌نمود، همین بود که در جبین صالح^ع آفاق نجات قوم را دیده بودند و او را شخصیتی متناسب برای سکانداری کشتی جامعه بلازده‌شان می‌دانستند. اما روزی که صالح^ع به امر خدا، برعرشه کشتی جامعه قیام نمود و فرمان آن را، ۱۸۵ درجه چرخاند، و مسیر را از شرک و بت پرستی، به توحید و یکتاپرستی هدایت نمود، ناگهان قوم او، دو گروه شدند: گروهی همچنان بر عقیده سابق خود مبنی بر صلاحیت آن حضرت ثابت قدم ماندند. در پشت سر آن رهبر الهی قرار گرفتند و

راهبری و هدایت‌های او را صحیح دانسته‌اند.

اما گروهی دیگر که قرآن از سرکرده‌های آنان به‌عنوان مفسدین نام می‌برد از عقیده خود نسبت به او دست برداشته و به‌وی پشت کرده و گفتند، اکنون امید ما از تو سلب گشت، زیرا تو مسیری را برگزیدی که ما و نیاکان‌مان بر آن نیستیم، ما از اینکه تو فرستاده پروردگارت باشی شک داریم، این گروه با اظهار شک، شروع به‌مخاصمه با پیامبر خدا و پیروانش کردند، و در جهت همین مخاصمات و منازعات بود که از صالح (ع) تقاضای معجزه‌ای کرده و گفتند، باید از دل کوه و سنگ، برای ما ناقه‌ای سرخ‌رُخ و باردار، بیرون آوری که بلافاصله زایمان کند، تا به تو ایمان بیاوریم و حرفت را باور نماییم. صالح (ع) تقاضای آنها را به‌خداوند عرضه داشت و خداوند ناقه را به‌عنوان آیت و معجزه‌ای به صالح (ع) و قومش عطا کرد، ناقه‌ای عظیم‌الجثه و خارق‌العاده از جهات گوناگون: اول اینکه به‌جای آنکه از شتری زاده شده باشد از دل سنگ بیرون آمد. دوم، بدون اینکه زمانی بر او بگذرد و با جملی بیامیزد باردار بود و زایمان نمود. سوم، آنکه آب نوشیدنی غیرطبیعی داشت، یعنی آب یک‌روزه چشمه آن شهر را می‌نوشید. چهارم، آنکه شیر مورد نیاز تمام مردم شهر را می‌داد. بالاخره این ناقه آیت الهی و رحمت پروردگار بر آن قوم بود که سبب ایمان آوردن عده‌ای شد. و آن قوم اعتراف کردند که خدای صالح از بت‌های آنان قدرتمندتر است، اما در عین حال و سوسه‌های شیطان سبب شد آنان این وسیله رحمت الهی را برای خود وسیله خشم و غضب و عذاب نمایند. مفسدین قوم که دیدند صالح (ع) به‌وسیله این معجزه الهی بهتر می‌تواند قوم را به‌سوی یکتاپرستی هدایت کند برای ناقه توطئه‌ای طرح کردند و آن را به‌اتفاق بچه‌اش، «پی» کردند و گوشت آن را در بین خود تقسیم

نمودند و خوردند. هنگامی که صالح^(ع) از این مسئله باخبر شد غم وجودش را گرفت، زیرا بهتر از همه می دانست که عاقبت این عمل غیرقابل تحمل، راهی جز هلاکت و نابودی در انتظارش نیست. از این رو به آنان گفت، تنها سه روز وقت دارید زندگی کنید، روز چهارم عذاب هلاکتان می کند. اما این قوم جاهل به جای آنکه آب روی آتش افروخته خود بریزند، مایع مشتعل کننده می ریختند، آنان به جای آن که دست به دامن صالح^(ع) شده و از کرده خود پشیمان گردند، توطئه قتل صالح و خانواده اش را طرح کردند، و به سوی محل عبادت صالح رفتند و در کمن او نشستند تا هنگام خروج وی از آن مکان بر سر او بریزند و به قتلش بپردازند، اما خداوند این بار مهلتشان نداد و قبل از نزول عذاب بر قوم ابتدا آنان را هلاک نمود. سپس به وسیله صیحه یا صاعقه ای عظیم آن قوم پست را عذاب نمود، تا برای همیشه ضرب المثلی باشند بر آیندگان. تازه این مجازات دنیوی آنان است، اما مجازات اخروی آنها در جای خود محفوظ است.

و ما با مطالعه سرگذشت این قوم باید درس عبرت بگیریم، تا مبادا خود و جامعه ما گرفتار بیماری و بلای آنان بشود.

درود و سلام بر پیروان انبیاء و لعن و نفرین بر مروجان راه شیطان

عین اله ارشادی - تابستان ۱۳۸۲